

# انگشت‌ها چیزی می‌گویند

نویسنده: فدا داد رمانی  
مترجم: شهر روحانی

|                     |   |                                                                   |
|---------------------|---|-------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : | چومانی، فرهاد                                                     |
| عنوان و نام پدیدآور | : | انگشت‌ها چیزی می‌گویند/نویسنده فرهاد چومانی ؛ مترجم شراره روحانی. |
| مشخصات نشر          | : | تهران: مشق شب، ۱۳۹۵.                                              |
| مشخصات ظاهری        | : | ۸۸ص.                                                              |
| شابک                | : | ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۵۲-۵۷-۴                                                 |
| وضعیت فهرست نویسی   | : | فیا                                                               |
| موضوع               | : | داستان‌های کردی -- قرن ۱۴                                         |
| موضوع               | : | Kurdish fiction -- 20th century                                   |
| موضوع               | : | داستان‌های فارسی -- ترجمه شده از کردی                             |
| موضوع               | : | Persian fiction -- Translations from Kurdish                      |
| شناسه افزوده        | : | روحانی، شراره، ۱۳۶۸ -                                             |
| رده بندی نگره       | : | ۱۳۹۵ چ ۹ / ۱۲۴۵ / PIR ۳۲۵۶                                        |
| رده بندی دیوید      | : | ۸۱۹/۲۳                                                            |
| شماره کتابشناسی     | : | ۴۲۴۸۴۴                                                            |

مؤسسه انتشاراتی مشق شب



نام کتاب: انگشت‌ها چیزی می‌گویند

نویسنده: فرهاد چومانی

مترجم: شراره روحانی

نظارت بر امور اجرایی: رضا هوشمند

صفحه‌آرایی و طرح جلد: گروه طراحی آر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول/ ۹۵

چاپ: مشق شب

ناشر: انتشارات مشق شب

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۵۲-۵۷-۴

نشانی: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان قدس، ساختمان آنا تول فرانس (شماره ۳)، طبقه ۳، واحد ۱۱

تلفن: ۱۷-۶۶۹۶۲۵۱۶ - ۶۶۴۸۸۸۲۰ - نمابر: ۶۶۴۸۸۸۲۰

www.mashgheshabpub.ir

## مقدمه ناشر

دیروز به هند ران آن فاصله زیادی نگرفته‌ام، گمانم این بود هر ترانه‌ای اهلیت مردم خودش را دارد. هر ترجمه گفته‌ام، ساده‌تر بگویم که یعنی؛ حرف‌های مردم آن سوی، به لمس شدن می‌آید و حرف‌های ما در این سوی، به فهم خودمان. یعنی ترانه زندگی پسری با دختری نوجوان در اقلیمی دیگر، با زبان و فرهنگی دیگر، خودشان را شاد می‌کنند یا غم‌ناک به سینه خودشان چنگ می‌زنند. اما سخن نویسنده داستان و مترجم توانمندش آنقدر مرا در فضای داستان فرو برد که من هم یواشکی از کنار عکس‌های غلبکار قاب زندگی‌ام می‌گذرم، تا پاسخگوی کرده و ناکرده‌ام نباشم.

من هم جایی و طوری از باران که در لافش دل‌بسته‌ام خلاف نیست، گریزان شدم و بوی نم کارتن‌های وامانده و جامانده پدری که درگیر گذشته‌اش همه فضای نفس کشیدن خانه را به اشغال ارزش‌هایش درآورده، با سوری اسباب‌بازی، من هم کنجکاو و نوجوانی را تجربه می‌کنم که پرسش‌هایش همیشه با زبانه دلت خیزران پاسخ گرفته است.

زندگی دو روزه بیساران دلوایسم کرد و من هم کنجکاوانه اما با حیا در کنار مادر ایستادم تا بدانیم چگونه نیست‌ها هست می‌شوند و نبودن‌ها بود. در انسانی دیگر، طپش زندگی و ماجرای مرگ همچون سایر داستان‌ها در کنار هم جاری است، آنقدر این دو ماجرا با هم عجین هستند که گویی پاراگراف بعدی داستان، ماجرای آن سوی بودن را قرار است روایت کنند.

پیشینه‌ای که از اتفاقات در ذهن خوانندگان داستان‌ها می‌نشیند، به همراه تصویرسازی بکر، با رنگدانه‌های خاکستری، که با هزاران طیف از سپید آغاز و تا سیاه ترسیم می‌شود، مجموعه داستان‌های «انگشت‌ها چیزی می‌گویند» نوشته موفق فرهاد چومانی و ترجمه شراره روحانی را به اثری قابل تأمل تبدیل کرده است که می‌دانم مانایی و تأثیرگذاری یک داستان موفق را در ذهن تحلیلگر خواننده خواهد داشت و علاوه بر آن، منتقدان و کارشناسان داستان‌نویسی با خوانش و بررسی آثاری از این دست، به سبک و روشی جذاب و قابل‌بررسی در داستان‌نویسی و تصویرسازی خواهند رسید. از این رو شما را به خوانش انگشت‌ها چیزی می‌گویند فرامی‌خوانیم.

رضا هوشمند

۱۳۹۵

### مقدمه

من هر کسی که به هر طریقی کتابی به دستش می‌رسد، من هم کتاب «انگشت‌ها چیزی می‌گویند» به دستم رسید. هنوز خواندن کتاب را به اتمام نرسانده بودم، که خوشبختانه ترجمه این کتاب را به من دکتر انبای مجازی با مولف کتاب آشنا شوم. آشنایی با ایشان و طرز نوشتن و بعداً که من‌های ادبی و شعرهایشان را خواندم، تصمیم گرفتم و مصمم شدم که خوانندگان فارسی‌زبان را نیز با قلم این نویسنده کرد زبان آشنا کنم. درباره این کتاب و نگارش موافقت دارم به چند سطر از خانم نویسنده و منتقد ادبی «بفراو نوری» که قبلاً در مورد این کتاب نوشته‌اند اشاره کنم، که انعکاس نظرات من هم هست.

خانم بفراو نوری درباره کتاب «انگشت‌ها چیزی می‌گویند» این‌طور می‌نویسد: آنچه که قابل توجه و تقدیر است، پر محتوایی رمان داستانی نویسنده است، که بسیار روان و زیباست. مملو از کلمات زیبا، پر محتوا و خیلی آهسته به شیوه‌ای مناسب در هر جایی لازم باشد، به کار رفته است. نحوه بازگویی خیلی جالب و موفقیت آمیز است. بازگویی‌های پویا و پخته توانسته است ما را با فضای درونی و اجتماعی شخصیت‌های داستان‌ها نزدیک و آشنا کند. دنیای درونی قهرمانان داستان‌ها به شیوه زیبایی واضح و نمایان است.

کار کردن در دنیای زن و شخصیت‌های زن در داستان‌ها و بعضی از رفتارهای درونی آنها، واقعاً موفقیت آمیز بوده است. دنیای زن جایگاه قابل توجهی را دریافت کرده، که نویسنده توانسته تا حد زیادی زندگی زنانی را به قلم بیاورد که امروزه

در زندگی روزمره و اجتماعی نمونه‌های زیادی از آنها دیده می‌شود. ترس، آرزو و خواسته‌هایی که در داستان‌ها مطرح شده‌است، بخش زیادی از زندگی زن مدرن و امروزی را احاطه کرده است.

محیط داستان‌ها بیشتر در دنیای خانواده هستند، این محیط قابل توجهی برای داستان‌های کتاب فراهم کرده، که نویسنده می‌تواند در آینده هم بر روی این موضوع بیشتر کار کند و موضوع انسان در میان خانواده، مرکز و راهنمای کارهایش در آینده باشد اگر چه جایگاه ویژه‌ای به جهان داستان‌ها بخشیده است، در همان حال حد و محدودتهایی را برای نوشتن درست می‌کند. دنیای داستان‌ها خیلی واقعیست، قهرمانش هم در زمان حال و شرایط درونی خودشان زندگی می‌کنند.

www.ketab.ir